

بررسی رابطه انگیزش پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان دوره متوسطه شهر اصفهان با ویژگی‌های خانوادگی آنان*

احمد عابدی**، دکتر حمیدرضا عریضی***

چکیده:

این پژوهش به بررسی رابطه بین انگیزش پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان دوره متوسطه شهر اصفهان با ویژگی‌های خانوادگی آنان می‌پردازد. هدف آن، تعیین رابطه و سهم نسبی هر یک از متغیرهای خانوادگی در تبیین انگیزش پیشرفت تحصیلی است. به همین منظور ۱۸۰ نفر آزمودنی به‌طور تصادفی از جامعه دانش‌آموزان دوره متوسطه آموزش و پرورش شهر اصفهان انتخاب و مورد مطالعه قرار گرفتند. نتایج بدست آمده حاکی از آن است که از بین عوامل خانوادگی مرتبط با انگیزش پیشرفت تحصیلی، انتظار والدین از موفقیت فرزندان $0/28$ ، شیوه فرزندپروری مقتدرانه $0/26$ و ساخت خانواده (مدرن‌های طبیعی در خانواده) $0/16$ تبیین‌کننده انگیزش پیشرفت تحصیلی هستند.

کلید واژه‌ها: انگیزش پیشرفت تحصیلی، شیوه‌های فرزندپروری، ساخت خانواده، انتظار والدین از موفقیت فرزندان.

* این پژوهش با اعتبارات مالی آموزش و پرورش استان اصفهان انجام گرفته است.

** دانشجوی دکتری روانشناسی دانشگاه اصفهان A اصفهان، خیابان هزار جریب، دانشگاه اصفهان

*** استادیار گروه روانشناسی دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه اصفهان

مقدمه

سازه انگیزش پیشرفت تحصیلی^۱ در مدرسه به رفتارهایی که به یادگیری و پیشرفت مربوط است، اطلاق می‌شود (هوسن^۲ و دیگران، ۱۹۹۴). رویکردهای زیادی برای تعریف انگیزش پیشرفت تحصیلی وجود دارد؛ بعضی از رویکردها به انگیزش‌های مربوط به موفقیت به‌طور عام می‌پردازند. یکی از آنها، رویکرد هدف‌هاست. رویکرد هدف‌ها براساس انگیزش‌های سازگاران و ناسازگاران پدید آمده است (ایمز، ۱۹۹۴).

تحقیقات در زمینه این رویکرد نشان داده است، کودکانی که توانایی‌های یکسانی دارند، در برابر مشکلات آموزش و یادگیری، پاسخ‌های متفاوتی می‌دهند. بعضی از افراد با وجود توانایی‌های سطح بالا با این دشواری‌ها به‌گونه‌ای مواجه می‌شوند که به نظر می‌رسد توانایی اندکی دارند و از اینکه تلاش‌هایشان به موفقیت نمی‌رسد، ناامید می‌شوند. گاهی در قالب الگوی درماندگی آموخته‌شده^۳ آن را تفسیر می‌کنند که ناسازگاران است، زیرا در مقابل رسیدن کودکان به اهداف ارزشمند و بالفعل کردن توانایی‌های درونی آنها مانع ایجاد می‌کند.

در مقابل، گروهی مشکلات را به‌گونه‌ای می‌بینند که می‌توانند بر چالش‌هایی که بر سر راهشان هست غلبه کنند، از مشکلات ناراحت نمی‌شوند، حتی در وجودشان احساس لذت از غلبه نمودن بر چالش پدید می‌آید. آنها توجه خود را به تغییر دادن راهبردها با حداکثر تلاش متمرکز می‌کنند و سطوح حل مسئله خود را غنی‌تر می‌کنند. این واکنش‌ها را پاسخ‌هایی با جهت‌گیری تسلط^۴ می‌نامند (ایمز، ۱۹۹۴).

پژوهشگران انگیزش پیشرفت تحصیلی را مربوط به دو طبقه از اهداف می‌دانند: اهداف عملکردی و اهداف یادگیری (دوئیک^۵، ۱۹۹۸). دوئیک (۱۹۹۸) در نظریه هدف - محوری^۶ خود پیش‌بینی می‌کند، رفتار افراد با سوگیری‌های متفاوت در دستیابی به اهداف، به ادراک آنان از توانایی‌هایشان بستگی خواهد داشت.

دوئیک (۱۹۹۸) اشاره می‌کند در اهداف عملکردی، هدف، عملکرد و کفایت است و دانش‌آموزان موفقیت‌ها را به عنوان ملاک کفایت خویش می‌دانند. در اهداف یادگیری، هدف، یادگیری و تسلط بر کفایت است. در این حالت افراد به دنبال هدف‌های دیگری هستند و در جستجوی فعالیت جدید و افزایش کفایت خود تلاش می‌کنند.

به عبارت دیگر، دانش‌آموزانی که اهداف عملکردی را مدنظر دارند، در ابتدا علاقه‌مند به اکتساب ارزشیابی‌های مثبت از توانایی‌هایشان هستند، سعی می‌کنند تا از موارد منفی اجتناب کنند. این افراد ترجیح می‌دهند ارزشیابی مثبتی در یک تکلیف آسان‌تر بدست آورند تا اینکه احتمال ارزشیابی منفی در تکلیفی مهم‌تر و چالش‌انگیزتر را بپذیرند.

اما دانش‌آموزان دارای اهداف یادگیری، ابتدا متوجه کسب مهارت‌های جدید یا گسترش دانش خود هستند، حتی اگر مستلزم داشتن خطاهایی در این راه باشند. لذا ضروری است که با انجام پژوهش‌های

علمی مهم‌ترین همبسته‌های انگیزش پیشرفت تحصیلی شناسایی و سهم نسبی هر یک از آنها در تبیین انگیزش پیشرفت تحصیلی مشخص گردد.

در این پژوهش به بررسی رابطه عوامل خانوادگی با انگیزش پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان پرداخته می‌شود. در دایره‌المعارف تعلیم و تربیت، هوسن و دیگران (۱۹۹۴) انگیزش پیشرفت تحصیلی را بیشتر به آن بعدی از انگیزش منحصر می‌دانند که انگیزش درونی دانش‌آموز نامیده می‌شود. انگیزش درونی یک حالت روان‌شناختی است و هنگامی حاصل می‌شود که انسان خود را دارای کفایت لازم و خود-کنترلی بداند. خود-کنترلی به دو بخش تقسیم می‌شود: فرصت کنترل یا فرصتی که به دانش‌آموز داده می‌شود تا برای امور تحصیلی خود، تصمیم بگیرد و توانایی کنترل یا احساس کفایتی که دانش‌آموز در موقعیت باید داشته باشد تا بتواند بر آن اساس اقدام کند.

نتایج تحقیقات نشان داده‌اند، ویژگی‌های خانوادگی با انگیزش پیشرفت تحصیلی مرتبط هستند. یکی از این ویژگی‌ها، سبک فرزندپروری والدین است. شناخته‌ترین تحقیق در این زمینه، مطالعات دیانا بامریند^۷ است. او سبک‌های فرزندپروری را به سه سبک تقسیم نموده است:

- سبک فرزندپروری مستبدانه (آمرانه)^۸: الگوی بسیار محدودکننده فرزندپروری است که والدین قوانین زیادی را تعیین می‌کنند، انتظار اطاعت مطلق و دقیق دارند و به ندرت به کودک توضیح می‌دهند، اغلب جهت کسب اهداف روی تنبیه تأکید می‌کنند.

- سبک فرزندپروری مقتدرانه^۹: سبک فرزندپروری انعطاف‌پذیری است که والدین به کودکان آزادی قابل ملاحظه‌ای می‌دهند. در عین حال در ارائه دلایل منطقی برای محدودیت‌هایی که ایجاد می‌کنند دقیق هستند، مراقبت می‌کنند که کودکان این راهنمایی‌ها را به کار گیرند. این والدین نسبت به نیازها و نقطه‌نظرات کودکان پاسخگو و حساس هستند و اغلب از نظرات آنها در تصمیمات مربوط به خانواده استفاده می‌کنند.

- سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه^{۱۰}: یک الگوی والد است که والدین به نسبت کم‌تر دستور می‌دهند و به کودکان اجازه می‌دهند احساس‌شان را آزادانه بروز دهند.

آنماری فونتین (۱۹۹۴) با توجه به شیوه فرزندپروری کودکان، می‌خواست بداند کدام شیوه فرزندپروری با انگیزش پیشرفت تحصیلی ارتباط دارد. او پژوهش خود را بر روی ۲۸۸ مادر انجام داد. متغیرهای پژوهش او شیوه‌های فرزندپروری، پذیرش فرزند، ساختار زندگی خانواده و انتظار والدین از موفقیت فرزندان بود. یافته‌ها نشان دادند شیوه فرزندپروری مقتدرانه و انتظار والدین از موفقیت فرزندان رابطه معناداری با انگیزش پیشرفت تحصیلی دارد.

ماری کولمن^{۱۱} (۱۹۹۳) در یک پژوهش، ۱۸۰ دانش‌آموز دوره متوسطه را با یکدیگر مقایسه نمود، عامل خانوادگی در پژوهش آنها تعامل والدین با خود بود. آنها نوجوانان را در سه گروه مورد مقایسه قرار دادند: گروهی که با والدین خویش زندگی می‌کردند، گروهی که با پدربزرگ‌های خود زندگی می‌کردند و

گروهی که در خانواده‌ای به جز والدین و یا پدربزرگ خود زندگی می‌کردند. یافته‌های پژوهش نشان داد انگیزش پیشرفت تحصیلی در گروه اول بیشترین و در گروه سوم کمترین است.

فاطمی (۱۹۹۰) به تأثیر نوع خانواده (زوج یا فرد) و ترتیب تولد (اولی، آخری، و نفرات وسط) پرداخت. وی دریافت که فرزندان اول و آخر انگیزش پیشرفت تحصیلی بهتری دارند. همچنین سطح انگیزش پیشرفت تحصیلی کودکان خانواده‌های زوج و منسجم بالاتر می‌باشد. یکی دیگر از ویژگی‌های خانواده که با انگیزش پیشرفت تحصیلی مرتبط است. ساخت خانواده است. ساخت خانواده مجموعه تعامل بین اعضاء خانواده است که شیوه‌های مروده میان کنش‌های اعضای خانواده را سازمان می‌دهد. یزدچی (۱۳۸۰) در پژوهش خود ساخت خانواده را به سه طبقه پرجمعیت یا کم جمعیت، سلسله مراتب قدرت در خانواده و تعامل بین اعضاء خانواده تقسیم کرد و نشان داد که بین ساخت خانواده (تعامل بین اعضاء، خانواده) و انگیزش پیشرفت تحصیلی رابطه معناداری وجود دارد.

پژوهش خوانساری (۱۳۷۵) تحت عنوان A بررسی رابطه جو عاطفی خانواده با انگیزش پیشرفت دانش‌آموزان دختر دبیرستان‌های منطقه ۳ شهر تهران نشان می‌دهد که بین جو عاطفی خانواده و انگیزش پیشرفت رابطه معناداری وجود دارد. همچنین تحصیلات مادر یک پیش‌بینی‌کننده معنادار بر روی انگیزش پیشرفت است.

نتایج پژوهش‌ها نشان دادند عوامل خانوادگی مانند ساختار زندگی خانواده، سلسله مراتب قدرت در خانواده، پذیرش فرزند، انتظار والدین از موفقیت فرزندان، شیوه‌های فرزندپروری و تعامل والدین با فرزند با انگیزش پیشرفت تحصیلی ارتباط دارند (ماریفونتن، ۱۹۹۴؛ بختیار فاطمی، ۱۹۹۰؛ ماری کولمن، ۱۹۹۳).

مسئله اساسی پژوهش، بررسی رابطه بین عوامل خانوادگی (شیوه‌های فرزندپروری، ساختار خانواده، و انتظار والدین از موفقیت فرزندان) با انگیزش پیشرفت تحصیلی است.

همچنین در این پژوهش سهم نسبی هر کدام از عوامل خانوادگی در تبیین انگیزش پیشرفت تحصیلی مورد بررسی قرار گرفته است.

روش

این پژوهش با توجه به اهداف و ماهیت آن از روش همبستگی استفاده کرده است، به عبارت دیگر، پژوهش حاضر یک مطالعه همبستگی چندمتغیری است متغیرهای پژوهش: انگیزش پیشرفت تحصیلی متغیر ملاک و عوامل خانوادگی (شیوه‌های فرزندپروری، ساخت خانواده، انتظار والدین از موفقیت فرزندان) متغیرهای پیش‌بینی هستند.

جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری

جامعه آماری، دانش‌آموزان دوره متوسطه آموزش و پرورش شهر اصفهان و والدین آنان بودند. از این تعداد ۱۸۰ نفر دانش‌آموز و والدین آنان (۱۸۰ نفر پدر و ۱۸۰ نفر مادر، جمعاً ۳۶۰ نفر از والدین دانش‌آموزان) به صورت تصادفی ساده انتخاب و مورد مطالعه قرار گرفتند. این نمونه‌گیری با استفاده از سیستم رایانه‌ای دانش‌آموزی دوره متوسطه آموزش و پرورش به نام سیستم دانا که کلیه اطلاعات دانش‌آموزان و مشخصات آنها را داراست، انجام گرفته است.

ابزارهای پژوهش

آزمون انگیزش پیشرفت: این مقیاس دارای ۴۹ گویه، بر اساس مقیاس لیکرت تنظیم شده است. این آزمون اولین بار توسط بحرانی (۱۳۷۲) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه شیراز انجام گرفت که پایایی و روایی آن نیز توسط وی بررسی شد. همچنین پایایی این آزمون به روش آلفای کرونباخ توسط یزدچی (۱۳۷۹) نیز ۰/۷۲ گزارش شده است.

شیوه‌های فزندپروری: این مقیاس پس از بررسی‌های بسیار توسط دیانا بامریند (۱۹۸۸) ساخته شد و در تحقیقات فراوان از آن استفاده نمود. این ابزار شامل سه گویه است: ۱۰ گویه شیوه سهل-گیرانه، ۱۰ گویه شیوه مقتدرانه، و ۱۰ گویه مربوط به شیوه مستبدانه. بوری^{۱۴} (۱۹۹۳) میزان پایایی این مقیاس را با استفاده از روش بازآزمایی بین خرده مقیاس‌ها ۰/۷۸ و ۰/۸۱ گزارش کرده است. در ایران روایی محتوایی این ابزار توسط اسفندیاری (۱۳۷۴) گزارش شده است، همچنین اسفندیاری پایایی آن را نیز به روش بازآزمایی از ۰/۷۷ تا ۰/۶۹ گزارش نموده است (اسفندیاری، ۱۳۷۴). در این پژوهش، پرسشنامه توسط پدر و مادر به‌طور جداگانه پاسخ داده می‌شود. سپس میانگین نمره پدر و مادر محاسبه و هر شیوه که بالاترین نمره را بدست آورد به عنوان شیوه فزندپروری آن خانواده محسوب می‌گردد.

آزمون ساخت خانواده: این مقیاس توسط گلیک^{۱۵} (۱۹۷۵) تهیه شده، مجموعه تعاملات بین اعضاء خانواده را اندازه‌گیری می‌کند (نگاه کنید به ماسن و دیگران، ترجمه یاسایی ۱۳۸۰) و دارای ۳۹ گویه است. در ایران این مقیاس توسط یزدچی (۱۳۷۹) با اندکی تغییر مورد استفاده قرار گرفت که سه مقوله نوع خانواده دانش‌آموز، مرجع قدرت در خانواده و تعامل بین اعضای خانواده را اندازه‌گیری کرد. پایایی این آزمون در پژوهش یزدچی از طریق آلفای کرونباخ محاسبه و ۰/۶۹ گزارش شد (یزدچی، ۱۳۷۹).

پرسشنامه سنجش واقعیات و انتظارات والدین: این مقیاس شامل ۱۲ گویه است و توسط عابدی و عریضی (۱۳۸۰) ساخته شده، پایایی آن با روش آلفای کرونباخ ۰/۷۱ گزارش شده است. این پرسشنامه شامل ۱۵ جمله خبری است که انتظارات و واقعیات را می‌سنجد. توسط والدین تکمیل می‌شود. شامل دو ستون (انتظارات، واقعیات) است که هر ستون شامل پنج گزینه بر اساس طیف لیکرت می‌باشد.

یافته‌ها

نتایج پژوهش نشان داد که بین متغیرهای انتظار والدین از موفقیت فرزندان، ساخت خانواده (تعامل بین اعضاء خانواده) و شیوه فرزندپروری مقتدرانه با انگیزش پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان در سطح $P < 0/01$ رابطه معناداری وجود دارد.

برای تعیین رابطه و سهم هر یک از عوامل خانوادگی (متغیرهای پیش‌بین) مرتبط با انگیزش پیشرفت تحصیلی (متغیر ملاک) از رگرسیون چندگانه به روش گام به گام استفاده شد. به این ترتیب، در مرحله اول متغیرهای پیش‌بین مربوط به عوامل خانوادگی وارد معادله شد. متغیرهایی که بیشترین سهم را در تعیین انگیزش پیشرفت تحصیلی داشتند، مشخص گردید. سپس به ترتیب، متغیرهایی که دارای سهم بیشتری بودند وارد معادله رگرسیون شدند که نتایج آنها در جدول - های شماره (۱) و (۲) آورده شده است.

جدول شماره (۱) آمارهای توصیفی مدل رگرسیون برای تعیین سهم عوامل خانوادگی در تبیین انگیزش پیشرفت تحصیلی

مرحله	متغیر	R چندگانه	R ^۲	F	Sig
۱	انتظار والدین از موفقیت فرزندان	۰/۲۸۶	۰/۳۷۶	۱۵/۸۳	۰/۰۰۱
۲	ساخت خانواده (تعامل بین اعضاء خانواده)	۰/۳۷۶	۰/۱۴۲	۱۴/۶	۰/۰۰۱
۳	شیوه فرزندپروری مقتدرانه	۰/۴۴۸	۰/۲۰	۱۴/۶۹	۰/۰۰۱

جدول شماره (۲) متغیرهای عوامل خانوادگی درون معادله در مرحله سوم در تبیین انگیزش پیشرفت تحصیلی

تغییر	B	Beta	T	Sig
انتظار والدین از موفقیت فرزندان	۰/۴۷۱	۰/۲۹	۴/۲۹۹	۰/۰۰۱
ساخت خانواده (تعامل بین اعضاء خانواده)	۱/۸۲	۰/۲۵	۳/۷۱۱	۰/۰۰۱
شیوه فرزندپروری مقتدرانه مقدار ثابت	۱/۰۸۳	۰/۲۴۲	۳/۵۹۴	۰/۰۰۱
مقدار ثابت	۶۹/۱۲۸		۳/۸۶۸	۰/۰۰۱

جدول شماره (۲) سهم هر کدام از عوامل خانوادگی را در تبیین انگیزش پیشرفت تحصیلی نشان می‌دهد. نتایج جدول حاکی از آن است که متغیر انتظار والدین از موفقیت فرزندان، ساخت خانواده (تعامل بین اعضا خانواده)، شیوه فرزندپروری مقتدرانه، تبیین کننده‌های معناداری برای انگیزش پیشرفت تحصیلی هستند.

بحث

یافته‌های این پژوهش در مورد ساخت خانواده و ارتباط آن با انگیزش پیشرفت تحصیلی با یافته‌های پژوهشگرانی از جمله فونتین (۱۹۹۴)، کولمن (۱۹۹۳) و فاطمی (۱۹۹۰) که به رابطه بین ساختار زندگی شیوه‌های فرزندپروری با انگیزش پیشرفت تحصیلی اشاره نموده‌اند، همخوانی دارد. آنها متغیرهای پذیرش فرزند، جو عاطفی خانواده/ساختار زندگی خانواده، استقلال‌آموزی و انتظار موفقیت از فرزند را از مهم‌ترین عوامل مؤثر در انگیزش پیشرفت تحصیلی می‌دانند.

همچنین یافته‌های پژوهش با یک بعد از نتایج تحقیق دیانا بامریند (۱۹۸۸) یعنی سبک فرزندپروری مقتدرانه که نشان می‌دهد یکی از ویژگی‌های کودکان سبک مقتدرانه، رفتارهای هدفمند و پیشرفت گرا است، همخوانی دارد.

در این پژوهش از شیوه‌های فرزندپروری (مقتدرانه، استبدادی و سهل‌گیرانه)، شیوه مقتدرانه با انگیزش پیشرفت تحصیلی رابطه معناداری داشت که تحقیقات دیانا بامریند نیز همین نتیجه را نشان می‌داد. لازم به توضیح است که سازه مورد مطالعه دیانا بامریند و دیگران انگیزه پیشرفت بود، ولی در این مطالعه سازه دیگر پیشرفت تحصیلی مورد بررسی قرار گرفته است.

در این پژوهش ساخت خانواده براساس پژوهش یزدچی (۱۳۸۰) به سه بخش سلسله مراتب قدرت، پرجمعیت و کم جمعیت در تعامل بین اعضا خانواده مورد بررسی قرار گرفت و بین ساخت خانواده (تعامل بین اعضا خانواده) و انگیزش پیشرفت تحصیلی رابطه معناداری بدست آمد. همچنین نتایج حاصل از این پژوهش در ارتباط شیوه‌های فرزندپروری و همبستگی آن با انگیزش پیشرفت تحصیلی، با یافته‌های پژوهش‌های انجام شده در ایران از جمله باقری (۱۳۷۲) و تاجوند (۱۳۷۷) همخوانی داشت. به این ترتیب بین شیوه‌های فرزندپروری استقلال‌آموزی، تسلط‌آموزی و مراقبت‌آموزی، با انگیزه پیشرفت رابطه منفی معناداری وجود دارد. به این معنی که هر چه هر یک از ابعاد استقلال‌آموزی و مراقبت‌آموزی در سطح پایین‌تری مورد استفاده قرار گیرد، انگیزه پیشرفت، رشد بیشتری می‌کند. البته پژوهشگران فوق برای اندازه‌گیری شیوه فرزندپروری از پرسشنامه فرزندپروری وینترباتوم (۱۹۵۳) استفاده نموده‌اند، ولی در پژوهش حاضر از پرسشنامه فرزندپروری دیانا بامریند استفاده شد. همچنین سازه مورد مطالعه آنها انگیزه پیشرفت بود، ولی در پژوهش حاضر، انگیزش پیشرفت تحصیلی مورد مطالعه قرار گرفت.

به این ترتیب، از نتایج پژوهش چنین استنباط می‌شود که خانواده و روش‌های تربیتی آن نقش بسیار مؤثری در انگیزش پیشرفت تحصیلی کودکان دارد؛ لذا باید در برخورد با کودکان علاوه بر جنبه‌های هوشی و شناختی به انگیزه‌های آنان به ویژه انگیزه پیشرفت تحصیلی توجه نمود. به عبارت دیگر، ساخت خانواده و روش‌های تربیتی اتخاذ شده توسط والدین در دوران کودکی نقش تعیین‌کننده در شخصیت و انگیزه‌های افراد در آینده دارد. به این منظور مسئولین و نهادهای فرهنگی و آموزشی جامعه باید زوج‌های جوان را با مسائل مختلف و روش‌های تربیتی مؤثر کودک آشنا کنند.

پیشنهاد‌های پژوهش

نتایج پژوهش نشان داد، از بین عوامل خانوادگی مورد مطالعه، شیوه‌های فرزندپروری (سبک مقتدرانه)، ساخت خانواده (تعامل بین اعضاء خانواده) و انتظار موفقیت از فرزندان دارای بیشترین سهم در تبیین انگیزش پیشرفت تحصیلی هستند. لذا لازم است در کلاس‌های آموزش خانواده شیوه‌های فرزندپروری و ساختار خانواده آموزش داده شود.

خانواده نقش تعیین‌کننده در رفتار آینده افراد دارد. ساخت خانواده و روش‌های تربیتی اتخاذ شده توسط والدین در دوران کودکی نقش تعیین‌کننده در شخصیت و انگیزه‌های افراد در آینده دارد. به این منظور مسئولین و نهادهای فرهنگی و آموزشی جامعه باید زوج‌های جوان را با مسائل مختلف و روش‌های تربیتی مؤثر کودک آشنا کنند. جنبه دیگر نتایج این پژوهش به مربیان و معلمان بر می‌گردد و آن توجه به ابعاد شخصیتی و انگیزشی دانش‌آموزان است. یعنی یادآوری این نکته که پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان در مدرسه تنها به توانایی‌های هوشی آنان بستگی ندارد، بلکه توجه به نگرش‌ها و انگیزش‌های دانش‌آموزان نیز اهمیت دارد.

پیشنهاد می‌گردد، سبک تربیتی دینا بامریند و وینترباتوم در سرفصل آموزش خانواده و مدارس قرار گیرد و الزاماً این شیوه‌ها به والدین دانش‌آموزان به خصوص دوره آمادگی و دبستان آموزش داده شود. پیشنهاد می‌شود، پژوهشگران بعدی متغیرهای شخصیتی، مدرسه‌ای و اجتماعی را با انگیزش پیشرفت تحصیلی و راه‌های افزایش آن، مورد بررسی قرار دهند تا نتایج آنها تکمیل‌کننده نتایج عوامل خانوادگی باشد.

یادداشت‌ها

- | | |
|------------------------------------|-------------------|
| 1. Academic achievement motivation | 9. Authoritative |
| 2. Hassent | 10. Pernissive |
| 3. Learned helplessness | 11. Mery colman |
| 4. Masery oriented response | 12. Minuchin |
| 5. Dweck | 13. Winter bottom |
| 6. Goal-Orientation | 14. Buri |
| 7. Baumrind | 15. Glick |
| 8. Autoritavian | |

منابع

- اسفندیاری، غلامرضا (۱۳۷۴). بررسی و مقایسه شیوه‌های فرزندپروری مادران کودکان مبتلا به اختلال رفتاری و مادران کودکان بهنجار، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، انستیتو روان‌پزشکی ایران.
- بحرانی، محمود (۱۳۷۲). بررسی رابطه انگیزش تحصیلی و عادات مطالعه گروهی دانش‌آموزان متوسطه شیراز، پایان‌نامه کارشناسی ارشد.
- عابدی، احمد (۱۳۸۰). درماندگی آموخته‌شده عاملی در شکست تحصیلی دانش‌آموزان، اصفهان: فصلنامه آموزه.
- ماسن، پاول هنری و دیگران (۱۹۹۸). رشد و شخصیت کودک، ترجمه مهشید یاسایی، چاپ اول، تهران: کتاب‌ماد.
- یزدچی، صفورا (۱۳۷۹). بررسی و تبیین سهم عوامل مؤثر در پرورش خلاقیت دانش‌آموزان دوره متوسطه نظری شهر اصفهان، اصفهان: کارشناسی تحقیقات آموزش و پرورش.
- Aimes, L. (1984). Achievement Attributions and self-Instructions under competitive and Individualistic Goal structures. *Journal of Educational psychology*, No 76.
- Colman . M. (1993). The role of parental interaction in achievement motivation. *Journal of social psychology*, L, 133(6).
- Fatemi. Bos. (1990). Family structure variables and academic achievement motivation among highschool students, *Journal of Applied psychology*, Vol 27.
- Fonten, C. (1994). Academic Achievement motivation and child reading in different social context. *European Journal of Psychology of Education* , Vol 9(3).
- Husent. Nevil. (1992). *International encychopaedia of education*.